



## کارکردها و حوزه اختیارات مجلس بهشت‌آیین (مجمع عالی رجال

### دربار صفوی)

علی مشهدی‌رفیعی\*

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

محمدباقر وثوقی

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۲۳۱ تا ۲۵۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۳/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱

علمی-پژوهشی

#### چکیده

نظام سیاسی صفویه مانند بسیاری از نظام‌های حکومتی خاندانی در تاریخ ایران از نوع پدرمیراثی-دیوان‌سالارانه به‌شمار می‌رود؛ زیرا هم دارای وجه پدرمیراثی و هم دارای وجه دیوان‌سالارانه است. اگرچه در نگاه نخست، چنین نظام‌های سلطنتی بیش از هر چیز از نوع سلطنت مطلقه به‌نظر می‌رسند که تمامی تصمیمات از بالاترین نقطه هرم قدرت سرچشمه می‌گیرد، اما به‌جهت وجود وجه دیوان‌سالارانه در آنها، گروه‌ها یا مجالس مشورتی نیز مجال بروز می‌یابند. درحقیقت گرچه در ظاهر، این هرم قدرت است که تعیین‌کننده همه چیز است، اما در لایه‌های درونی نظام تصمیم‌گیری، با نهادهایی تصمیم‌ساز روبه‌رو می‌شویم که تصمیمات از آنها سرچشمه می‌گیرد و پس از طی روندهای معمول تأیید و تصحیح در نظام‌های دیوان‌سالاری، از ناحیه رأس هرم قدرت یا صاحب‌منصبان عالی‌رتبه صادر می‌شود؛ از این‌رو با توجه به بسامد فراوان به‌کارگیری اصطلاح «مجلس بهشت‌آیین» در متون تاریخی عصر صفوی و تعدد کاربرد این اصطلاح که در منابع این دوره تاریخی برای نامیدن نوع خاصی از گردهمایی‌های درباری به‌کاررفته است، به‌نظر می‌رسد شواهد اولیه مبنی بر وجود مجلسی مشورتی یا مجمع درباری در قالب این گردهمایی وجود دارد. در این مقاله بر آنیم تا در ابتدا با کنار هم نهادن بخشی از شواهد و مستندات تاریخی، وجود نوعی از مجالس مشورتی درباری را در قالب مجلس بهشت‌آیین در دوره صفوی نشان دهیم و سپس با استفاده از روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی، تصویر روشنی از جایگاه و کارکردهای آن در نظام تصمیم‌گیری دربار صفوی ترسیم کنیم.

**واژه‌های کلیدی:** مجلس مشورتی، نظام تصمیم‌گیری، دربار صفوی، رجال درباری، مجلس بهشت‌آیین.

## ۱. مقدمه

یکی از اصطلاحاتی که در تاریخ‌نگاری‌های دوره صفوی به‌تناوب تکرار می‌شود، اصطلاح «مجلسیان» یا «قرب‌یافتگان» و یا «باریافتگان» بزم یا مجلس بهشت‌آیین است که شاید بتوان آن را نوعی گرده‌برداری از برخی نمونه‌های انگشت‌شمار کاربرد استعاری این اصطلاح در متون پیش از دوره صفوی در معنای مجالس مشورتی شاهی دانست؛ برای نمونه، در «مثنوی طیب» منسوب به مسعود سعد سلمان، شاعر دوران غزنوی، مجلس شاه به‌صورت استعاری با ترکیب «مجلس بهشت‌آیین» خوانده می‌شود:

طیبتی می‌کنم معاذالله	از پی خرمی مجلس شاه
شاعر آری چنین بود گستاخ	که بگوید سخن به نظم فراخ
چون از آن مجلس بهشت‌آیین	دورم افکنند روزگار چنین

(۱۳۶۲: ۵۷۹)

اگرچه در نگاه نخست این‌گونه به‌نظر می‌رسد که کاربرد چنین اصطلاحی در معنای مجلس شاهی، از شیوه نگارش مورخان دوره صفوی و الگوبرداری آنها از استعارات ادبی شاعران و ادیبان پیش از خود سرچشمه می‌گیرد، اما با مواجهه با تعدد استفاده از این ترکیب در متون مختلف و از نویسندگان متفاوت، می‌توان نتیجه گرفت که این ترکیب، بیش از آنکه نتیجه ذائقه نویسندگان باشد، بیشتر به اصطلاحی درباری شبیه است که گویا به دسته خاصی از رجال درباری اشاره دارد. برای فهم بهتر این موضوع می‌توان به شواهد متنی مختلف مربوط به این اصطلاح رجوع کرد که نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

«... در ساعت نزول ولی‌محمدخان [= والی و حاکم بلخ و توابع] قاصدی تندتر از باد شمال به اردوی معلی فرستاد که نوید ورود موبک ولی‌محمدخان به گوش هوش باریافتگان مجلس بهشت‌آیین رسانده و در عرض سیزده روز قاصد از مرو به اصفهان آمد...» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۴۳۶)

«... چون مقصود از آمدن آن بود که ترتیب شرف پای‌بوس و مکان جلوس هریک از مجلسیان مجلس بهشت‌آیین را به رسم و آیین پیشین تحقیق نموده، به عرض اقدس رسانند...» (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۵)

افزون‌براین، در رساله دستورالملوک که مناصب درباری را معرفی کرده است، تقریباً تمامی بخش‌های آن که به معرفی هر منصب اختصاص دارد، با اشاره کوتاهی به محل نشستن صاحب آن منصب در مجلس بهشت‌آیین پایان می‌یابد؛ مانند موارد زیر:

«در بیان شغل مقرب الخاقان منجم باشی... و در مجلس بهشت‌آیین بی‌تاج و طومار بعد از خلیفه الخلفاء می‌نشسته‌اند» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۲۱).

«در بیان شغل مقرب الخاقان مهرداد مهر همایون... و در مجلس بهشت‌آیین، مهر مزبور را حمایل می‌نمود و در دست چپ، بعد از عالی‌جاه مزبور مجلس‌نشین با تاج و طومار می‌نشست...» (همان).

اگر شواهد این چنینی در کنار اشارات صریح مربوط به مکان نشستن رجال درباری در مجلس بهشت‌آیین قرار گیرد، می‌توان به وضوح استنباط کرد که اصطلاح مجلس بهشت‌آیین نوعی گردهمایی درباری است که عمدتاً در تاریخ‌نگاری‌ها و متون تاریخی دوره صفوی به معنای «گردهمایی درباریان در حضور شاه» به کاررفته است؛ به عبارت بهتر، این مجلس یا نشست، «بهشت‌آیین» نمی‌شود، مگر آنکه پادشاه صفوی در آن حضور داشته باشد.

علاوه بر این، شواهدی نیز وجود دارد که گزارش این جلسات تدوین و تنظیم می‌شده است و احتمالاً دستورالعملی برای ضبط و بایگانی آنها نیز وجود داشته است؛ برای نمونه در جمادی‌الثانی ۱۰۳۸ق، شاه‌صفی پس از جلوس بر سلطنت، در نخستین انتصاب خود میرزا طالب‌خان را علاوه بر «رقم‌نویس»، به منصب «واقعه‌نگار مجلس بهشت‌آیین» نیز منصوب می‌کند (سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸: ۲۵) و یا در جایی دیگر که درباره مرگ میرزا محمد رقم‌نویس در سال ۱۰۴۳ق می‌نویسد، وی را «واقعه‌نویس و رقم‌نویس مجلس بهشت‌آیین» خطاب می‌کند که به صراحت به واقعه‌نگاری حوادث و رویدادهای این مجلس توسط صاحب منصب رقم‌نویس اشاره دارد (همان: ۱۰۱). از سوی دیگر، شخص ابوالمفاخر نیز ملقب به «سوانح‌نگار» است که با کنار هم نهادن توصیفی که وی از خود در کتابش به دست می‌دهد و خود را به عنوان «راقم» معرفی می‌کند، می‌توان وقایع‌نگاری یا به تعبیر امروزی‌تر آن، گزارش‌نویسی وقایع روزانه را نیز از زمره وظایف جانبی وی دانست (ن.ک: سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸: مقدمه/بیست‌وهفت-سی‌ویک). با وجود این، بخش عمده‌ای از ارتقاء این منصب دیوانی به عنوان منصبی عالی‌رتبه، در دوره شاه‌عباس اول و به دستور او روی داد. وظایف و کارکردهای این منصب که به سرعت به یکی از نهادهای قدرتمند و طراز اول و دارای تشکیلات وسیع تبدیل شد، آمیزه‌ای از وظایف صدراعظم، مستوفی الممالک و منشی‌الممالک بود و ثبت و ضبط وقایع، نگارش مکاتبات مهم دولتی، شرکت در جریان روابط ایران با دول خارجی و حضور در جلسات مهم دربار، بخشی از وظایف این منصب در دوره صفویه به‌شمار می‌رفت (قدیمی قیداری و کلانتری، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

شایان ذکر است که تعداد بسیاری از تاریخ‌نگاری‌های درباری دوره صفوی را مجلس نویسان نوشته‌اند؛ همچون عباس‌نامه یا تاریخ جهان‌آرای عباسی، نوشته میرزا

محمدطاهر وحید قزوینی (مجلس‌نویس دربار شاه‌عباس دوم) و دستور شه‌ریاران، نوشته میرزاحمدابراهیم بن زین‌العابدین نصیری (مجلس‌نویس دربار شاه سلطان‌حسین) که توصیفات فراوانی از شرح وقایع و رویدادهای مجلس بهشت‌آیین دارند. ثبت وقایع این گردهمایی‌ها که می‌توان آنها را به‌نوعی «گزارش‌نویسی» نیز تعبیر کرد، به‌نحوی غیرمستقیم از زمره وظایف رجال مجلس‌نویس بود که بخشی از این وقایع‌نگاری‌ها، بعدها با اضافه‌کردن فصولی مانند مقدمه‌ای در نسب خاندان صفوی یا بخش‌هایی درباره رجال درباری، در قالب تاریخ‌نگاری دوران سلطنت یک یا چند پادشاه صفوی به‌صورت کتابی مستقل درآمده‌اند (همان: ۱۲۲).

باید گفت که در نامیدن مجلس بهشت‌آیین گاه با نوعی تشبث و چندگانگی روبه‌رو هستیم؛ به‌طوری‌که این مجلس در تاریخ‌نگاری‌های درباری دوره صفویه با عناوین دیگری مانند بهشت‌اساس، بهجت‌اساس، بهشت‌سرشت، خلدآیین، جنت‌اساس، ارم‌اساس، ارم‌نشان، ارم‌تزیین و مواردی از این دست نیز مورد اشاره قرار گرفته و عنوان «مجلس» نیز گاه با عناوینی مانند بزم، محفل یا مجمع جایگزین شده است. در این موارد می‌توان به‌صورت تطبیقی چنین معادل‌هایی را از روی تشابهات معنایی اجزاء آنها از قبیل عنوان (مانند واژه‌های جشن، بزم، محفل یا مجمع)، بخش نخست (مانند واژه‌های بهشت، بهجت، خلد، ارم و جنت) و به طریق مشابه بخش دوم (مانند واژه‌های آیین، اساس، سرشت و نشان) تشخیص داد که نمونه‌های زیر از این دست‌اند:

«... روزی سوداگری به درگاه فلک بارگاه آمده، به عرض باریافتگان مجلس بهشت‌سرشت رسانید که زن عیاره‌ای به حجره من آمده و مبلغی از نقد و جنس گرفت ...» (موسوی قمی، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

«... مقرب الحضرت العلیه العالیه، حکیم شمس‌الدین محمد ... به قرب منزلت و دوام خدمت ممتاز، و مدام در مجلس بهشت‌اساس به محرمیت و تفقدات شاهانه و نوازشات شگرف پادشاهانه کامجو است ...» (سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳).

با وجود این، با توجه به تأکید میرزارفیعاً در دستورالملوک در به‌کاربردن عنوان مجلس بهشت‌آیین و فراوانی نسبتاً زیاد کاربرد این عنوان در مقابل سایر عناوین یادشده، به‌نظرمی‌رسد که عنوان رسمی این گردهمایی درباری، همان مجلس بهشت‌آیین بوده و سایر عناوین بیش از آنکه جنبه رسمی داشته باشند، حاصل ذوق و سبک نگارش نویسندگان متون تاریخی دوره صفوی بوده است که عموماً علاقه بسیاری به استفاده از مترادفات در متون خود داشته‌اند؛ از این‌رو می‌توان مجلس بهشت‌آیین را گردهمایی

عمومی رجال عالی‌رتبه دربار صفوی با پادشاه دانست که تنها مقربان درگاه در آن حضور می‌یافتند و برگزاری آن طبق تشریفات و آداب خاصی (از جمله نحوه ورود، محل و ترتیب نشستن یا ایستادن رجال و آداب سخن‌گفتن) بوده است.

## ۲. کارکردهای مجلس بهشت‌آیین و حوزه اختیارات آن

### ۲-۱. جلوس پادشاه و اعلام رسمی سلطنت

باتوجه به حضور کلیه درباریان و بخش عمده‌ای از رجال عالی‌رتبه در مجلس بهشت‌آیین، یکی از کارکردهای اصلی این مجلس اعلام رسمی آغاز سلطنت پادشاه بود که به‌طور معمول با تشریفات ویژه‌ای انجام می‌شد؛ برای نمونه، واله اصفهانی در بخشی از تاریخ‌نگاری خود با عنوان *خلد برین*، در آنجا که به توصیف تمهید مقدمات مراسم تاج‌گذاری شاه‌صفی می‌پردازد، به‌صراحت به مکان نشستن هر یک از مجلسیان (رجال درباری عالی‌رتبه) و نحوه قرارگرفتن تخت پادشاهی در صدر مجلس اشاره می‌کند و سپس توضیح درباره برگزاری مراسم را به‌صورت زیر به‌پایان می‌برد:

«... و آن آفتاب سایه‌گستر [= شاه صفی] در روز شنبه بیست‌وسوم ماه مذکور چون مهر انور بر تخت زر تکیه فرموده، امرای عالی‌رای ابواب ورود به مجلس بهشت‌آیین شهریار روی زمین گشودند و نخست عمده امرای عالی‌شان، زینل‌خان به شرف سجده و پای‌بوس سرافراز گردیده، پس از آن سایر امرا و وزرا و ارکان دولت و اعیان حضرت را به شرف رخصت پای‌بوس و عز مجالست مجلس بهشت‌آیین سربلند گردانید...» (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۶-۵)

از این رو می‌توان چنین استنباط کرد که مراسم نخست در قالب مجلس بهشت‌آیین و در جمع رجال درباری که به تعبیر واله اصفهانی شامل امرا و وزرا و ارکان دولت و اعیان حضرت می‌شد، صورت می‌گرفته و سپس تشریفات دیگر در حضور سایر رعایا یا سفرا و اتباع سایر کشورها اجرا می‌شده است؛ برای نمونه، در کتاب *دستور شهریاران* در اشاره به وقایع جلوس شاه سلطان حسین، توصیف تشریفات این مجلس بهشت‌آیین به‌صورت زیر بیان شده است:

- تعیین وقت دقیق جلوس توسط منجم‌باشی؛
- آماده‌کردن تالار طویله<sup>۱</sup> برای گردهمایی رجال؛
- ورود رجال عالی‌رتبه به تالار و معرفی یک‌به‌یک آنها توسط محمد مؤمن خان بیگدلی شاملو، ایشیک آقاسی‌باشی دیوان به شاه؛

- خواندن خطبه جلوس شاه سلطان حسین توسط آقا جمال خوانساری<sup>۲</sup> در شاه‌نشین ایوان عمارت (محتماً ایوان عمارت طویله)؛
- آماده‌شدن مهر شاه با سجع «وارث ملک سلیمان جهان سلطان حسین»؛
- بذل نذورات به سادات، علما و مستحقان؛
- ورود رجال میان‌رتبه و سایر درباریان (قورچیان، یساولان صحبت، ایشیک آقاسیان و امرزادگان و ...) و معرفی یک‌به‌یک آنها توسط ایشیک آقاسی‌باشی دیوان به شاه و نشستن هریک در جای مخصوص به خود؛
- سایر تشریفات مربوط به پذیرایی و جشن و سپس خروج شاه از تالار طویله به سمت عمارت آینه‌خانه (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۱-۱۹).

## ۲-۲. دیدار رسمی پادشاه با یک میهمان عالی‌رتبه خارجی (پادشاهان و شاهزادگان سایر کشورها یا سفرا و نمایندگان دول خارجی)

از جمله مواردی که در نقاشی‌های دیواری دوره صفوی نیز به تصویر کشیده شده است، میزبانی از میهمانان عالی‌رتبه در قالب مجلس بهشت‌آیین است. چنین نمونه‌هایی برای پادشاهان بسیار نادر، درباره شاهزادگان، به‌ویژه شاهزادگان پناهنده به دربار صفوی نسبتاً متعدد و برای سفرا و نمایندگان دول خارجی به‌صورت معمول و طبق آداب خاصی اجرا می‌شد. از معروف‌ترین نمونه‌های چنین دیدارهایی، می‌توان به ملاقات نصیرالدین همایون<sup>۳</sup> با شاه تهماسب یکم در ۹۵۱ق. اشاره کرد که اگرچه در تاریخ حبیب‌السیر صراحتاً عنوان مجلس بهشت‌آیین برای آن به کار نمی‌رود، اما از توصیفات آن برمی‌آید که پس از مراسم رسمی استقبال پادشاه صفوی از پادشاه گورکانی، دیدار رسمی دو پادشاه در قالب مجلس بهشت‌آیین صورت گرفته است: «... چون سه چهار روز از وصول پادشاه جهان‌افروز [= همایون] منقضی گشت، حضرت شاه عالم پناه جشن عظیم و صحبت پر نعم ترتیب داده، آن حضرت را طلب داشت و اعزاز و اکرام تمام به جای آورده، لوی الطاف و اعطاف برافراشت و هریک از امرا و مقربان پادشاه را در محال مناسب نشانده، به شرف ادراک صحبت جنت‌رتبت سمت تشریف‌آرزان فرمود...» (امیرمحمود خواندمیر، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

در حقیقت اشاره به این نکته که دیدار با پادشاه گورکانی در مجلسی با حضور امرا و مقربان درگاه صورت گرفته است که هریک در جای مناسب نشسته بودند، اشاره‌ای غیرمستقیم به مجلس بهشت‌آیین است که بنا به آنچه گفته شد، گردهمایی رجال درباری و پادشاه صفوی است که با آداب خاصی برگزار می‌شد.

نکته جالب توجه این است که از این دیدار یک نقاشی دیواری در کاخ چهلستون وجود دارد که در آن برخی از آداب این نوع از مجلس، مانند ترتیب نشستن یا ایستادن دیده می‌شود. این نقاشی را احتمالاً در زمان شاه‌عباس دوم، یکی از سه نقاش فرنگی‌ساز آن دوره (بهرام سفره‌کش، علیقلی جبه‌دار و محمد زمان) که نقاشی تصاویر مجالس تالار اصلی کاخ چهلستون را برعهده داشته‌اند، کشیده است (نیک‌بین و فرهود، ۱۳۸۹: ۱۰۱).



تصویر ۱ - نقاشی دیواری دیدار شاه‌تیماسب یکم و همایون پادشاه گورکانی، تالار اصلی کاخ چهلستون اصفهان  
به عبارت دیگر، آنچه در این نقاشی دیواری (تصویر ۱) قابل تشخیص است، روایتی تصویری از مجلس بهشت‌آیین دوره شاه‌تیماسب یکم (۹۸۴-۹۳۰ق) است که احتمالاً براساس الگوی رایج مجالس دوره شاه‌عباس دوم (۱۰۷۶-۱۰۵۲ق) به تصویر درآمده است. نمونه‌های دیگری نیز از نقاشی‌های دیواری دوره صفوی با مضمون دیدار پادشاهان این خاندان با میهمانی عالی‌رتبه در مجلس بهشت‌آیین نیز در همین تالار وجود دارد که با توجه به نکات سبکی و برخی عناصر بصری تکرار شونده، احتمالاً همگی در یک زمان نقاشی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به دو نگاره دیدار شاه‌عباس اول و ولی‌محمدخان ازبک (فرمانروای ترکستان) و دیدار شاه‌عباس دوم و ندرمحمدخان ازبک (حاکم بخارا) نیز اشاره کرد (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۲ - نقاشی دیواری دیدار شاه عباس اول و ولی محمدخان، پادشاه ازبک، تالار اصلی کاخ چهلستون اصفهان



تصویر ۳ - نقاشی دیواری دیدار شاه عباس دوم و ندرمحمدخان، پادشاه ازبک، تالار اصلی کاخ چهلستون اصفهان

به تصویر کشیدن چنین صحنه‌هایی در تالار اصلی کاخ چهلستون احتمالاً با قصد سیاسی انجام شده است؛ زیرا هم بنا به گزارش منابع تاریخی و هم براساس شواهد معماری، از قبیل وسعت تالار اصلی این کاخ و بدون ستون بودن آن، این تالار به‌عنوان یکی از مکان‌های دیدارهای عالی نیز استفاده می‌شده است؛ برای نمونه، احتمالاً مقصود از به تصویر کشیدن نقاشی «دیدار حضور بابر شاه گورکانی در حضور شاه اسماعیل صفوی و بوسیدن دست وی» در تالار چهلستون که در حدود ۱۰۷۵ ق. و در کشاکش نبرد



میان صفویان و گورکانیان بر سر قندهار توسط شاه عباس دوم به علیقلی جبه‌دار سفارش داده شده، این بوده است که به نمایندگان سیاسی گورکانیان و سایر ملل تابعه که در دربار ایران حاضر می‌شدند، نشان داده شود که صفویان ولی‌نعمت گورکانیان هند هستند و بارها تاج و تخت آنها را از دستبرد دیگران نجات داده‌اند (آژند، ۱۳۸۲: ۸۸)؛ از این رو مراد از کشیدن چنین تصاویری به صورت نقاشی‌های دیواری بزرگ در تالار اصلی چهل‌ستون، احتمالاً از آن جهت بوده است که این تالار دست‌کم از زمان شاه عباس دوم به بعد، یکی از مکان‌های اصلی دیدار پادشاهان صفوی با مقامات سایر کشورها در قالب مجلس بهشت‌آیین بوده است و وجود چنین تصویرهایی در آن، نوعی نمایش برتری خاندان صفوی بر سایر کشورهای همجوار برای میهمانان و بازدیدکنندگان احتمالی آن تالار به‌شمار می‌رود.

در کنار نمونه‌های یادشده، می‌توان از دیدار رسمی سفرای خارجی با شاه و معرفی آنها در قالب مجلس بهشت‌آیین، به‌عنوان یکی از نمونه‌های پرسمامد برگزاری این مجلس یاد کرد. آن‌طور که از شواهد متنی برمی‌آید، این سنت دست‌کم از زمان شاه‌تهماسب یکم به بعد، به‌ویژه از زمان استقرار دولت‌خانه در قزوین که امکان انجام تشریفات درباری را به‌نحو بهتری فراهم می‌کرد، معمول بوده است. در یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های آن در *سراج‌الأنساب*، اشاره کوتاهی به برگزاری مجلس بهشت‌آیین شاه‌تهماسب یکم و درباریانش با سفیر عثمانی دارد و به‌صراحت برگزاری این مجلس را به‌جهت ورود ایلچی روم (عثمانی) عنوان می‌کند (کیا، گیلانی، ۱۳۶۷: ۱۳۶).

از طرفی یکی از منابع برای توصیف جزئیات مجالس بهشت‌آیین مرتبط با پذیرایی از میهمان‌های خارجی، گزارش‌هایی است که در سفارت‌نامه‌های سفرای خارجی در ایران و شرح توصیفات ایشان از چگونگی دیدارشان با پادشاه صفوی دیده می‌شود؛ برای نمونه، در ۱۶۰۲ م (۱۰۱۱ق) اشتفان کاکاش زالان کمنی (Stephano Kakasch von Zalakemeny) سفیر امپراطور رودولف دوم، شاه مجارستان و بوهم، برای سفارت به دربار شاه‌عباس اول فرستاده شد؛ اما وی در ۲۵ اکتبر ۱۶۰۳ در گیلان به دلیل بیماری می‌میرد و یکی از زیردستان او به نام گئورگ تکتاندر فون در یابل (Georg Tectander von der Jabel) مأموریت وی را ادامه می‌دهد<sup>۴</sup> (فون در یابل، ۱۳۸۸: ۳۰-۷۱). تکتاندر در ۱۵ دسامبر ۱۶۰۳ هفت روز پس از فتح تبریز توسط شاه‌عباس، در حالتی بسیار شتاب‌زده موفق می‌شود شاه

صفوی را دیدار و پیام‌ها و هدایای دولت متبوعش را تسلیم کند. او لحظه ورود خود را به مجلس دیدار شاه، در گزارش مأموریتش این‌گونه توصیف می‌کند:

«... هنوز از اسب پیاده نشده بودم که شاه مرا به حضور خود احضار کرد، درحالی‌که هنوز مجال نکرده بودم چیزی بخورم و لباسم را عوض کنم و اسب‌ها را به اصطبل بسپارم ... همه‌چیز را رها کردم و به حضور شاه رفتم. مرا به درون کاخ بردند. شاه را در میان اشراف درباری و مشاورانش بر روی زمین نشسته یافتیم. چون لباس شاه از دیگران ساده‌تر بود و مترجمی هم با خود نداشتیم، او را شناختم و لحظه‌ای مردد ماندم. ...» (همان: ۷۲).

اشاره تکتاندر به اینکه شاه را در میان اشراف درباری و مشاورانش دیدار کرده است، نشان می‌دهد که دیدار وی با شاه صفوی در قالب مجلس بهشت‌آیین انجام شده است. این استنباط زمانی اثبات می‌شود که او به توصیف جزئیات ملاقاتش با شاه صفوی و نحوه پذیرایی نیز می‌پردازد: «شاه و بعد اشراف عالی‌قدر و پاشاها که من نیز در میان آنها قرار می‌گرفتم و بالاخره مستشاران دربار، همه دایره‌وار چهارزانو و دوزانو بر زمین می‌نشستند؛ به طوری که پاهایشان به کلی پنهان می‌بود. ...» (همان: ۸۱).

در نمونه‌ای دیگر، گرگوریو فیدالگو دو سیلوا (Gregório Pereira Fidalgo) نماینده نایب‌السلطنه هندوستان و مشاور پادشاه پرتغال که در ۱۶۹۶م. با هدف همراه کردن شاه سلطان حسین برای حمله مشترک نیروهای نظامی ایران و ناوگان دریایی پرتغال به امرای مسقط و اعراب عمان و کاهش ضمنی نفوذ انگلستان در خلیج فارس و دریای عمان با عنوان سفیر به دربار ایران اعزام شده بود، در گزارش خود به پادشاه پرتغال به تناوب به تشریفات درباری اشاره می‌کند (اوبن، ۱۳۹۶: ۳۶).<sup>۵</sup> طبق گزارش سفیر در روز شرفیابی، پس از انجام تشریفات معمول میهمان‌داری و ورود به مجلس رجال درباری، دو سیلوا اعتبارنامه خود را به شاه سلطان حسین تقدیم می‌کند و به پرسش‌های وی درباره کلیات مأموریتش پاسخ می‌گوید. پس از آن، وی به محلی از پیش تعیین شده برای نشستن هدایت می‌شود که سفیر آن را به صورت زیر توصیف می‌کند:

«... درست هنگامی که می‌خواستم دلایل بی‌شماری برای تشویق وی به جنگ با اعراب بشمارم، شاه به رئیس تشریفات امر داد یک کرسی جهت نشستن من فراهم آوردند. کرسی مرا در طرف راست شاه و در محلی قدری پایین‌تر از کرسی چهار شخصیت بزرگ مانند اعتمادالدوله، قورچی‌باشی، خلر [=قوللرا] آغاسی و واقعه‌نویس دربار قرار دادند و در پشت سر آن، دو پسر صدراعظم و سایر بزرگان دربار نشسته بودند. ...» (همان: ۵۵-۵۶).

باتوجه به آنکه از یک سو، چنین ترتیبی برای نشستن رجال یادشده، با آرایش نشستن رجال درباری در منابع موجود مطابقت دارد؛ و از سوی دیگر، سایر تشریفات یادشده در این گزارش نیز با تشریفات مجلس بهشت‌آیین مشابه است، می‌توان گفت که مراسم شرفیابی وی به حضور پادشاه صفوی، در حضور رجال درباری عالی‌رتبه و در قالب مجلس بهشت‌آیین انجام شده است.

از طرف دیگر، کاستلین (Casteleijn) فرمانده وقت هلندی‌های مقیم ایران، یک روز پس از برگزاری مراسم رسمی شرفیابی دو سیلوا به دربار صفوی، به دیدار وی می‌آید و عنوان می‌کند که دیدار با سفیران دول خارجی، پیش از شرفیابی آنها به حضور شاه از گناهان نابخشودنی در دربار ایران به‌شمار می‌آید (همان: ۵۶-۵۷)؛ از این رو می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نخستین دیدار رسمی شاه با مقامات عالی‌رتبه دول خارجی، در قالب مجلس بهشت‌آیین انجام می‌گرفته و پس از آن سایرین اجازه می‌یافتند که با سفیر یادشده دیدار کنند.

### ۲-۳. برگزاری مراسم مناسبت‌های تقویمی

مناسبت‌های تقویمی مانند اعیاد نوروز، قربان، فطر و ... از جمله مواردی هستند که به بهانه آن عموماً فرصتی برای گردهمایی رجال درباری پیش می‌آمده است. در چنین مواردی، حضور شاه در میان رجال عالی‌رتبه درباری، بخشی از تشریفات برگزاری مراسم و آیین‌های چنین مناسبت‌هایی به‌شمار می‌آمده که گاه این‌گونه گردهمایی‌ها را علاوه بر عنوان عام مجلس بهشت‌آیین، با عنوان خاص آن عید، مانند «مجلس نوروز» یا «مجلس عید قربان» نیز می‌نامیدند؛ برای نمونه، سوانح‌نگار تفرشی نوروز ۱۰۰۹ ش (۱۰۳۹ ق.) یونتیل<sup>۶</sup> را به‌صورت زیر توصیف می‌کند که در آن به‌صراحت به گردهمایی رجال درباری در قالب تشکیل مجلس بهشت‌آیین نیز اشاره کرده است:

«... چون ایام فرخ‌فرجام بهجت‌انجام نوروزی کوس دل‌فریبی و جهان‌افروزی در خانه زرنگار حمل، بلند ساخت به فرح و نشاط و طرب و انبساط، نوروز یونتیل را طرح عشرت افکنده، مجلس بهجت‌اساس به قانون معظم شاهانه ترتیب داده با مقربان، بساط گردون‌انبساط در آن تازه گلستان که از گل‌های رنگین و سنبل و ریاحین، پیرایه‌مند بود، بهارستانی آرایش یافت ... و هریک از عظمای امرای عظام به شرف پای‌بوس اشرف نقد مراد به جیب آرزو می‌ریختند ...» (۱۳۸۸: ۴۰).

چنین توصیفات نشان می‌دهد که سنت عیدانه‌دادن به امرا و رجال درباری در مجلس بهشت‌آیین انجام می‌شد؛ چراکه در این مجلس تمامی ارباب مناصب عالی‌رتبه

حاضر بودند و می‌شد به تمامی آنها حسب رتبه و مرتبه‌شان از طرف شاه، عیدانه‌ای اعطا شود. چنین نتیجه‌گیری‌ای با گزارش میرزاعلی‌نقی نصیری نیز مطابقت دارد و حتی وی وظیفه پای‌بوس کردن افراد و تقسیم اشرفی و زر در وقت تحویل نوروز به امرا و دیگران را از زمره وظایف ایشیک‌آقاسی‌باشی دیوان عنوان می‌کند (۱۳۷۱: ۱۹).

#### ۲-۴. اعلانات

باتوجه به آنکه در مجلس بهشت‌آیین، طیف وسیعی از رجال عالی‌رتبه دربار صفوی حضور داشتند، براساس گزارش‌های موجود در تاریخ‌نگاری‌های رسمی درباری، می‌توان دریافت که یکی از کارکردهای اصلی این مجلس اعلام اعلانات دربار بوده است؛ برای نمونه، باتوجه به گزارش ملاجلال منجم<sup>۷</sup> در تاریخ عباسی، خبر تولد شاه‌عباس اول در مجلس بهشت‌آیین به شاه‌تهماسب یکم اعلام می‌شود و او در همان لحظه، هم نوزاد و هم شاه قلی‌سلطان یکان استاجلو، حاکم وقت هرات را که مقام لله‌گی وی را داشته است، خلعت می‌بخشد (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ۲۲-۲۰). در نمونه‌ای دیگر، در آستانه دیدار ولی‌محمدخان ازبک (والی و حاکم بلخ و توابع) با شاه‌عباس اول در محرم ۱۰۱۹ق، خبر و زمان ورود خان ازبک و خیل ملازمانش به اصفهان در مجلس بهشت‌آیین توسط قاصد وی که از مرو به اصفهان آمده بود، به شاه صفوی اعلام می‌شود که شاه باتوجه به عالی‌رتبه‌گی ولی‌محمدخان، برای میهمان‌داری از او دستورها، برنامه‌ها و تصمیمات زیر را خطاب به کلیه رجال حاضر در مجلس صادر می‌کند:

«... چون موکب اخوی، ولی‌محمدخان بدین صوب صواب‌نما متوجه شد، به هر محل و مکان که برسد انواع تکلفات و ضیافات گوناگون بکنند که خلاف‌کننده به عتاب و خطاب شاهی گرفتار خواهد شد و هرکه به زیادتی رجوع کند، به تشریفات خسروانه و نوازشات پادشاهانه سرافراز خواهد گردید و نامه به حضرت ولی‌محمدخان نوشتند ... و بدین تفصیل مقرر فرمودند که ایالت‌پناه علیقلی‌خان ایشیک‌آقاسی‌باشی [که] والی طهران و ورامین من اعمال ری بود، به سمنان روند و لوازم استقبال و میهمان‌داری تا اصفهان به تقدیم رسانند. ...» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۴۳۶-۴۳۷).

#### ۲-۵. قضاوت

قضاوت درباره رجال درباری و سرنوشت آنها، از قبیل عزل و نصب یا پاداش و مجازاتشان، از زمره موضوعاتی بود که بر مبنای برخی گزارش‌های تاریخی در نشست‌های مجلس بهشت‌آیین مطرح می‌شد و حتی گاه آن نشست برای بحث و تصمیم‌گیری درباره آن منعقد می‌شد؛ برای نمونه، در ۹۹۸ق، زمانی که شاه‌عباس اول به شیراز وارد شد، بنا به

اخباری که از ظلم و تعددی طایفه ارشلو در اصفهان به وی رسیده بود، فرمان داد که الیاس بیک به اصفهان برود و آنها را به همدان کوچ دهد و در صورت امتناع آنها از کوچ، به کمک حاکم و کلانتر و اکابر و اهالی دارالسلطنه، آنها را به قتل رساند و سرشان را به شیراز بفرستد. به دنبال آن، در نشست متعاقبی که در قالب مجلس بهشت‌آیین در ربیع‌الثانی همان سال در شیراز با حضور شاه و درباریان تشکیل شد، پس از اعلام اخبار مربوط به اقدامات الیاس بیک، سخن از گریختن حاجی مهدی‌قلی بیک، وکیل و ریش‌سفید طایفه ارشلو از اصفهان به میان آمد که بر مبنای فرمان پیشین شاه، می‌بایست به قتل می‌رسید؛ اما در هنگام اظهار نظر رجال، میرزا لطف‌الله، صدراعظم وقت، از در دفاع از مهدی‌قلی بیک درآمد و با اشاره به سابقه خدمات وی که از زمان شاه‌تیماسب یکم در خدمت خاندان صفوی بوده، تلاش می‌کند که رأی شاه را برگرداند یا در مجازات طایفه ارشلو تخفیفی اعمال شود. در نهایت شاه با توجه به مطالب میرزا لطف‌الله، از گناه طایفه ارشلو می‌گذرد و فرمان رفع تعرض و لغو دستور پیشین را صادر می‌کند (همان: ۸۶)

این جلسات عموماً در پی رخداد واقعه‌ای و گاهی حتی بلافاصله پس از آن تشکیل می‌شد و از این‌رو، موارد متعددی از این جلسات مجلس بهشت‌آیین در هنگام سفر یا لشکرکشی‌های پادشاه، به منظور قضاوت درباره موضوعی خاص تشکیل می‌گردید و گاه پادافره یا پاداش شخص نیز در همان جلسه جاری می‌شد؛ برای نمونه در سفر همدان و لرستان، شاه‌عباس اول در جمادی‌الاول ۱۰۱۷ق، مدتی در ملایر اقامت کرد و طی مجلس بهشت‌آیینی که در این مدت منعقد شد، به تظلم‌خواهی زوجی عاشق‌پیشه به نام «منظر» و «آقاعبدلی» پرداخته می‌شود تا درباره مزاحمانی که متعرضشان شده بودند، تصمیم‌گیری شود؛ چراکه بنا بر گزارش ملاجلال منجم در تاریخ عباسی، ماجرای این زوج به حدی مشهور شده بود که حتی شاعری به نام «باقر» داستان آنها را به صورت شعر درآورده و آوازی در بیات<sup>۸</sup> به نام منظر و عبدلی برای آن ساخته بود. به تصریح ملاجلال این زوج به جهت رفع تظلم در مجلس بهشت‌آیین حاضر شدند که شرح آن در تاریخ عباسی چنین آمده است: «... از مجلس بهشت‌آیین به جهت رفع تظلم گذشته حاضر شدند با ناز و نیاز عاشقانه خوب می‌خواندند و الحق عجیب صحبت نفیسی بود. نواب کلب آستان علی [= شاه‌عباس اول] هردو را به خلع فاخر و آقا عبدلی را از مال توانگر ساختند که مایه دکان و جبران خرابی باغ او شده باشد و دست ظالمان را از

هر دو کوتاه گردانیدند و حاسدان و معاندان ایشان را به‌عتاب و خطاب شاهانه گرفتار گردانیدند. ...» (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۴۵-۳۴۶).

## ۲-۶. انتصابات

انتصاب افراد به مناصب عالی، از قبیل حکومت یک منطقه یا تصدی یکی از شغل‌های کلیدی دربار از دیگر موضوعاتی بود که در مجلس بهشت‌آیین به آن پرداخت می‌شد. با وجود این، گاه گردهمایی رجال در قالب این مجلس صرفاً محفلی برای اعلام خبر انتصاب فلان شخص به فلان منصب بود و گاه فرآیند آزمون یا تصمیم‌گیری درباره انتصاب وی در همان مجلس جاری می‌شد؛ برای نمونه، طبق گزارش محمدابراهیم نصیری در دستور شهریاران، پس از قتل شاهویردی خان (احتمالاً شاهویردی خان)، حاکم لرستان فیلی در ۱۱۰۶ق، کل املاک وی به مبلغ چهارهزار تومان برای دیوان ضبط شده بود؛ لذا شاه سلطان حسین، سلطان حسین‌بیک پسر شاهویردی‌خان و برادر کوچک‌تر او را در یکی از گردهمایی‌های رجال در قالب مجلس بهشت‌آیین به حضور می‌پذیرد و مورد شفقت قرار می‌دهد، اما در چندین جلسه متعاقب آن، به مباحثه و پرسش و پاسخ با او می‌پردازد و وی را مورد آزمایش قرار می‌دهد و سپس با کسب رضایت از عقل و شعور سلطان حسین‌بیک، منصب و دارایی‌های ضبط‌شده پدر مقتولش را به او و سایر ورثه می‌بخشد (نصیری، ۱۳۷۳، ۶۰). در حقیقت، در این نمونه شخص یادشده برای کسب منصب حکمرانی در مجلس بهشت‌آیین حاضر شده بود که طی چندین جلسه مورد پرسش قرار می‌گیرد و در نهایت، در همین مجلس نیز انتصاب وی اعلام می‌شود.

## ۲-۷. چاره‌اندیشی درباره مسائل عمومی

باتوجه به گزارش‌های تاریخی، تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی درباره یک موضوع، پس از مراسم مناسبت‌های درباری و تقویمی، از جمله پربسامدترین مواردی است که محتوای مجلس بهشت‌آیین را رقم می‌زده است؛ برای نمونه، در زمان محاصره اصفهان در ۱۱۳۵ق. که در میان رجال عالی‌رتبه و امرای قزلباش مشورت و گمانه‌زنی درباره انتخاب جانشین شاه سلطان حسین و خروج ولیعهد از اصفهان برای حفظ بقای سلطنت خاندان صفوی بالا گرفته بود، به گزارش زبده‌التواریخ، در سه نوبت مجلس رجال دولتی در قالب مجلس بهشت‌آیین منعقد شد و یکی از شاهزادگان را به ولیعهدی انتخاب کردند تا به همراه جمعی از امرا و یکی از صاحب‌منصبان در مقام لله‌گی وی از اصفهان خارج شده، به قزوین بروند. نشست‌های یادشده ابتدا برای سلطان محمد میرزا و در بار

دوم برای صفی‌میرزا منعقد شد؛ اما نخستین شاهزاده، بنا به گفته‌ها به علت ترس، از سلطنت امتناع کرد و شاهزاده دومی نیز به دلیل مخالفت شاه سلطان حسین با برخی عزل و نصب‌ها و تنبیهات وی نسبت به برخی درباریان، از مقام ولیعهدی خلع شد. در نوبت آخر، مجلس بهشت‌آیینی در چهارباغ اصفهان با موضوع تغییر ولیعهد منعقد شد که تصمیمات اعلان شده در آن، موارد زیر بود:

۱. اعلام ولیعهدی تهماسب‌میرزا؛<sup>۹</sup>
۲. انتصاب محمدآقای خواجه، یوزباشی غلامان خاصه شریفه به منصب لله‌گی ولیعهد؛
۳. تصمیم‌گیری درباره نحوه خروج ولیعهد و انتخاب محمدقلی خان شاملو، وزیر اعظم و رضاقلی خان، ایشیک‌آقاسی باشی دیوان اعلی و محمدعلی بیگ معیرالممالک برای همراهی وی (مستوفی، ۱۳۷۵، ۱۴۱-۱۳۹).

از سوی دیگر، براساس برخی از گزارش‌های تاریخی، استفاده از فنون پیش‌بینی مبتنی بر ستاره‌شناسی و علوم غریبه برای تعیین سرنوشت امور یا سعد و نحس کارها نیز، یکی از شواهد و قرائن طرح موضوعات نیازمند تصمیم‌گیری در مجلس بهشت‌آیین به‌شمار می‌آید؛ برای نمونه، گاه برای تعیین احوال فلان کشور یا فلان پادشاه و یا فلان شخص از میان رجال، رمل کشیده می‌شد که در نمونه‌ای بسیار جالب در یکی از نسخ خطی کتاب کنز الاحباب نوشته زین‌العابدین قاسم اصفهانی که در مجموعه محقق تبریز نگهداری می‌شود، در باب هشتم از فصل نخست، رملی نقل شده که در ۹۹۵ق. در یکی از نشست‌های مجلس بهشت‌آیین برای دانستن چندوچون سفر شاه‌عباس اول از مشهد به قزوین کشیده شده است (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴: ۳۲۹).

## ۲-۸. مباحثه و تبادل نظر

اگرچه در تصور رایج از نظام پادشاهی سنتی در ایران، این‌طور گمان می‌شود که تنها نظر شخصی که در رأس هرم قدرت قرار دارد، اجازه طرح داشته و سایرین نیز می‌بایست در برابر آن خاموش می‌بودند، اما در عمل، بخش عمده‌ای از نظام‌های سلطنتی ایرانی که ساختار پدرمیراثی-دیوان‌سالارانه (Patrimonial-Bureaucratic) داشته‌اند، در بستر نظام دیوان‌سالاری خود یا در قالب مجالس مشورتی و نشست‌های درباری، محمل‌هایی برای بحث و تبادل نظر رجال فراهم می‌کردند.

گرچه در نظام تصمیم‌گیری در دربار صفوی، مجلس مشورتی مشخصی وجود داشته است که عموماً با عنوان «مجمع امرای جانقی» شناخته می‌شود و تعداد معدودی از امرا

و صاحب‌منصبان عالی‌رتبه دربار صفوی در آن عضویت داشته‌اند، اما گاه از مجلس بهشت‌آیین نیز در دربار صفوی برای مشورت و تبادل نظر میان شاه صفوی و رجال درباری استفاده می‌شد؛<sup>۱۰</sup> برای مثال در قدیمی‌ترین نمونه کاربرد عبارت مجلس بهشت‌آیین، این عبارت در یک متن تاریخی دوره صفوی برای نامیدن گردهمایی امرا، ارکان دولت و رجال درباری دولت صفوی به کار می‌رود؛ به گزارش کتاب مشهور حبیب‌السیر، در اواسط رجب ۹۱۰ ق. شاه اسماعیل صفوی قصد دفع خطر محمدخان شیبانی می‌کند و دستور می‌دهد که تمامی امرا و حکام مناطق مختلف ایران (عراقین، فارس، کرمان، کردستان و ...) با سپاهیان خود نزد وی گرد هم آیند. وقتی امرا و رجال عالی‌رتبه یادشده در منزل سلطان بلاغی گرد هم می‌آیند، شاه صفوی موضوع دفع خطر محمدخان شیبانی را با آنها مطرح می‌کند: «... در تکلف و تزئین مجلس بهشت‌آیین چنانچه باید و شاید لوازم سعی و اهتمام به جای آوردند... و امرا و حکام و سران سپاه نصرت‌انجام را بار داده در باب یورش خراسان و محاربه محمدخان شیبانی قرعه مشورت در میان انداخت؛ آن جماعت متفق‌اللفظ و المعنی آن سفر مقرون به فتح و ظفر را مستصوب شمردند و شرایط دعا و ثنا به تقدیم رسانیده...» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۵۰۴/۴-۵۰۵).

در گزارش فوق نه تنها عبارت «مشورت در میان انداخت» به صراحت به مشورت و تبادل نظر میان شاه و امرا و رجال صاحب‌منصب حاضر در مجلس اشاره دارد، بلکه استفاده از واژه «مستصوب» نشان می‌دهد که پس از بحث و طرح آراء مختلف، میان حاضران در مجلس، اتفاق نظر درباره نحوه حمله حاصل می‌شود و نتیجه بحث نیز به نوعی به تصویب می‌رسد که می‌توان آن را اشاره‌ای صریح به وجود فرآیندهای تصمیم‌گیری جمعی در نظام تصمیم‌گیری دربار صفوی به شمار آورد.

چنین مباحثات و تبادل نظرهایی گاه به صورتی انجام می‌شد که رجال به خود اجازه می‌دادند با دیدگاه‌های پادشاه نیز مخالفت کنند؛ برای نمونه، میرمحمد صالح خاتون‌آبادی،<sup>۱۱</sup> از علمای دربار شاه سلطان حسین، در مقدمه کتاب *انوار مشرقه* که در ۱۱۰۹ ق. تألیف شده است، می‌گوید این کتاب در پاسخ به نظر شاه صفوی است مبنی بر بطلان علم نجوم که در مجلس بهشت‌آیین ارائه داده است. در واقع بنا به گفته خاتون‌آبادی، شاه صفوی «در مجلس بهشت‌آیین گوهر سخن را به رشته باریک‌بینی فکر دقیق، مسج‌گردان تحقیق علم نجوم و حقیقت بطلان آن» کرده و از حاضران در جلسه خواسته است تا درباره درستی یا نادرستی علم نجوم مباحثه کنند. در پایان نیز شاه سلطان حسین،



نتیجه‌گیری کرده و نظر خود را بر بطلان این علم اعلام داشته است و این موضوع سبب شده که خاتون‌آبادی با گردآوری آراء علما درباره علم نجوم، کتابی در رد نظر شاه بنویسد (به نقل از جعفریان، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۴).

این نمونه به‌وضوح نشان می‌دهد که باتوجه‌به حضور تعداد زیادی از رجال درباری، مجلس بهشت‌آیین به‌عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی دربار صفوی، محمل مناسبی برای طرح موضوعات و تبادل نظر در میان رجال عالی‌رتبه بوده است که می‌توان بحث و گفت‌وگو درباره موضوعات مختلف را از زمره کارکردهای عمومی این مجلس در دربار صفوی دانست.

### ۳. نتیجه

باتوجه‌به آنچه گفته شد، می‌توان براساس گزارش‌های موجود در منابع تاریخی دوره صفوی و به‌ویژه وقایع‌نگاری‌هایی که مورخان درباری نوشته‌اند، مجلس بهشت‌آیین را مجمعی از رجال دربار صفوی دانست که در قالب گردهمایی عمومی، با حضور رجال عالی‌رتبه درباری در محضر پادشاه تشکیل می‌شد. چنین مجمعی نه‌تنها قواعد و آداب خاص خود را داشت، بلکه مهملی برای مشورت و تصمیم‌گیری گروهی درباره موضوعات مختلف به‌شمار می‌آمد. افزون‌براین، با بررسی فراوانی گزارش‌های تاریخی مربوط به مجلس بهشت‌آیین در تاریخ‌نگاری‌های رسمی دوره صفوی درمی‌یابیم که کاربرد این اصطلاح از اواسط دوره صفوی رفته‌رفته بیشتر شده و در دوره صفویان متأخر، به‌صورت سنتی درباری تثبیت شده است.

درحقیقت، چنین گردهمایی عمومی که تنها مقربان درگاه در آن حضور می‌یافتند و برگزاری آن طبق تشریفات و آداب خاصی بود، عموماً بنا به مناسبت‌های مشخصی از قبیل جلوس پادشاه، دیدار با میهمان خارجی و مناسبت‌های تقویمی مانند نوروز، عید قربان و ... و یا بنا به اضطرار، برای بحث و مذاکره گروهی درباره موضوعات مشخصی مانند اعلام اعلانات، قضاوت و چاره‌اندیشی درباره عرایض تشکیل می‌شد.

در واقع این مجلس که سنت درباری برای گردهمایی رجال عالی‌رتبه دربار صفوی به‌شمار می‌رود، در کنار سایر کاربردهای خود، کارکرد نهادی مشورتی را داشته و جزئی از نظام تصمیم‌گیری دربار صفوی بوده است که باتوجه‌به شواهد متنی موجود، در دامنه وسیعی از موضوعات به نقش‌آفرینی می‌پرداخته است؛ به‌عبارت‌دیگر، اگرچه در ظاهر تمامی تصمیمات سلاطین صفوی به شکل فرمان‌های سلطنتی به اطلاع اشخاص یا

عموم مردم می‌رسید، اما درحقیقت در پس این تصمیمات شاهی، گاه مذاکرات و حتی مباحثات رجال درباری در حضور پادشاه وجود داشت که نتایج آن درنهایت در قالب فرمان‌های سلطنتی از ناحیه رأس هرم قدرت صادر می‌شد.



گراور مراسم تاج‌گذاری شاه‌سلیمان صفوی در تالار طویل در نسخه چاپ سربی از سفرنامه شاردن، امستردام، ۱۶۸۶م.

### پی‌نوشت

۱. از عمارت‌های دولت‌خانه اصفهان که اکنون تخریب شده و احتمالاً در شرق تالار اشرف قرار داشته است.
۲. جمال‌الدین محمد بن حسین بن محمد، معروف به آقا جمال خوانساری (متوفای ۱۱۲۲ یا ۱۱۲۵ق)
- و معاصر شاه سلطان حسین صفوی.
۳. نصیرالدین محمد همایون (حک: ۹۶۳-۹۳۷ق) دومین پادشاه گورکانی که از ۹۵۰ تا ۹۵۲ق. به دربار شاه طهماسب یکم پناهنده شد و سپس به هندوستان بازگشت و تاج‌وتخت خود را را دوباره در دربار گورکانی به‌دست آورد.
۴. متن اصلی سفرنامه تکتاندر فون در یابل که درحقیقت گزارش مأموریت وی به پادشاه متبوع خود است، در ۱۸۷۷م. در شهر پاریس با توجه به نسخه خطی این گزارش به چاپ رسیده است (Tectander von der Jabel, 1877: 8).
۵. ترجمه فرانسه این گزارش را ژان اوبن در ۱۹۷۱م. به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران در قالب کتابی در شهر لیسبون پرتغال منتشر کرده است (Aubin, 1971: 12).
۶. «یونت ئیل» یا «یونیت ئیل» به معنای سال اسب از سال‌های ترکی است.
۷. ملاجلال‌الدین محمد منجم یزدی (وفات: ۱۰۲۹ق) ادیب، منشی، مورخ و از منجمان مقرب دربار شاه‌عباس اول است و کتاب تاریخ عباسی که «روزنامه ملاجلال منجم» نیز خوانده می‌شود، از اوست. این کتاب رویدادهای اواخر سلطنت شاه‌تهماسب، سلطان محمد خدابنده و شاه‌عباس اول را دربرمی‌گیرد.

۸. ملاجلال منجم در متن خود مشخص نمی‌کند که منظور وی از بیات، کدام گونه بیات است؛ بیات ترک، بیات اصفهان یا نوعی دیگر از بیات؟  
۹. شاه‌تھماسب ثانی.

۱۰. مجمع امرای جانقی، مجلسی مشورتی متشکل از امرای عالی‌رتبه دربار صفوی (قورچی‌باشی، قوللرآقاسی، ایشک‌آقاسی‌باشی، تفنگ‌چی‌آقاسی، وزیر اعظم، دیوان بیگی، واقعه‌نویس به‌عنوان اعضای ثابت و سپهسالار برای تصمیم‌گیری‌های نظامی) بود که موضوعات مهم مملکتی در آن مطرح و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شد (برای اطلاع بیشتر درباره این مجمع و پیشینه آن در دربار صفوی، ن.ک: موسوی و بابایی، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۵۰).

۱۱. میرمحمدصالح خاتون‌آبادی (۱۱۲۶-۱۰۵۸ق) فرزند عبدالواسع بن محمدصالح بن اسماعیل، داماد علامه مجلسی و شاگرد نزدیک اوست. در *الغیض القدسی* آمده که او در دوره شاه سلطان حسین، وزیر مریم بیگم، عمه شاه بوده است (به نقل از جعفریان، ۱۳۹۵، ۳۲).

## منابع

- آزند، یعقوب، «علی‌قلی بیک جبه‌دار - کتابدار»، *هنرهای زیبا*، ش ۱۶، ۸۳-۹۲، زمستان ۱۳۸۲.
- امیرمحمود بن خواندمیر، *ایران در روزگار شاه‌اسماعیل و شاه‌تھماسب (ذیل تاریخ حبیب‌السیر)*، به تصحیح غلامرضا طباطبایی‌مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۹۰.
- اوبن، ژان، *گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی*، ترجمه پروین حکمت، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.
- جعفریان، رسول، «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام (مروری بر رساله انوار مشرقه)»، *مقالات و رسالات تاریخی*، ۳۱-۵۰، تهران، نشر علم، ۱۳۹۵.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، *حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، تصحیح محمد دبیرسیاکی، تهران، خیام، ۱۳۳۳.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار، *نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (دفتر چهارم)*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله الحسینی، *تاریخ شاه‌صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۵۲-۱۰۳۸ق)*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
- فون در یابل، گئورگ تکتاندر، *ایتر پرسیکوم: سفر به ایران*، ترجمه محمود تفضلی، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۸۸.
- قدیمی قیداری، عباس و یحیی کلانتری، «منصب واقعه و رابطه آن با وقایع‌نگاری (تاریخ‌نویسی)»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۱۳، ش ۲۵، ۱۱۳-۱۲۹، بهار ۱۳۸۶.
- کیا، گیلانی، احمد بن محمد، *سراج‌الأنساب*، تصحیح مهدی رجایی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۶۷.
- مستوفی، محمدمحسن بن محمد کریم، *زبدة التواریخ*، تصحیح بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۵.
- مسعود سعد سلمان، *دیوان*، تهران، گلشنی، ۱۳۶۲.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، تصحیح سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶.

- موسوی قمی، معز، «گشتی در حکایت کتاب سفینه فطرت از معز موسوی قمی «فطرت» (۱۰۵۶-۱۰۱۱ق)»، مقالات و رسالات تاریخی، گردآوری و تألیف رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۹۲.
- موسوی، سیدجمال و طاهر بابایی، «مجمع جانقی؛ تحقیقی درباره شورای عالی دربار صفوی»، مطالعات تاریخ/اسلام، ۱۳۹-۱۵۰، پاییز ۱۳۸۹.
- میرزا رفیعا، دستورالملوک، تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_ دستورالملوک میرزا رفیعا، دفتر تاریخ (مجموعه اسناد و منابع تاریخی)، گردآوری و تصحیح ایرج افشار، جلد ۱، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۰.
- نصیری، محمدابراهیم بن زین‌العابدین، دستور شهریاران (سال‌های ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ق پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی)، تصحیح محمدنادر نصیری‌مقدم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۳.
- نصیری، میرزا علی‌نقی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
- نیک‌بین، سارا و فریناز فربود، «بررسی مجالس نقاشی کاخ چهلستون در بستر هنر صفوی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۵۰، ۹۴-۱۰۳، اسفند ۱۳۸۹.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین؛ ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸ ه.ق). تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- Aubin, Jean, *L'ambassade de Gregório Pereira Fidalgo à la cour de Châh Soltân-Hosseyn*, Lisbonne: Fundação Calouste Gulbenkian: Comité national portugais pour la célébration du 2.500e anniversaire de la fondation de la monarchie en Iran, 1971.
- Tectander von der Jabel, Georg, *Iter persicum; ou, Description du voyage en Perse entrepris en 1602 par Etienne Kakasch de Zalonkemeny, envoyé comme ambassadeur par l'empereur Rodolphe II, à la cour du grand-duc de Moscovie et à celle de châh Abbas, roi de Perse*, Paris, E. Leroux, 1877.